



مسئولان کشور

راوی قدرت ایران باشید

نه ضعیف ها



الگوی واحد فریب

۷ بار یک الگوی جنایت طی یک سال:

وعده قطعی عدم حمله به بیروت توسط هنری هوکشتاین، نقض توسط اسرائیل، حمله به بیروت و ترور فواد شکر

نامه نگاری ترامپ برای مذاکره با ایران، ابلاغ پذیرش غنی سازی و زمان مذاکره، حمله گسترده غافلگیرانه اسرائیل و آمریکا به ایران وسط مذاکره

ابلاغ پیشنهاد آتش بس ۲۱ روزه به حزب الله، ناگهان حمله اسرائیل، ترور سید حسن نصرالله

پیشنهاد آمریکاییها به حماس، گردهم آمدن اعضای فرماندهی و حمله هوایی اسرائیل به آنها

مذاکرات صلح آمریکا و اکراین با روسیه در عربستان، وعده آتش بس هوایی و دریایی، حمله گسترده پهپادی غرب به فرودگاه های روسیه حین مذاکرات

آزادی عیدان الکساندر آمریکایی برای اثبات حسن نیت حماس، ردزنی محمد سنوار و شهادت او

با دشمنی طرفیم که به هیچ اصلی پایبند نیست، به جز زور. هر مذاکره ای باید با توجه به این هویت فریبکار و درنده و کاملا دروغگو، دنبال شود.

محور سوم

ایران مگر قبل از جنگ وارد مذاکرات نشد چرا دوباره بعد از جنگ پیام مذاکره فرستاد؟

آنچه می گوئیم نتیجه تحلیل هایی است که به آن تکیه کرده ایم و گر نه اطلاعی از تصمیمات مقامات ارشد نداریم. اینکه در میانه جنگ چرا مجدداً ایران پیام مذاکره داد شاید به این دلایل باشد:

ارسال پیام مذاکره پس از آتش بس، تلاش ایران برای کسب برتری دیپلماتیک و مشروعیت بین المللی بر طرف مقابل بود. به عبارتی این پیام را به خارج داد که ایران جنگ طلب نیست و جنگ افروزی خصلت رژیم صهیونیستی است.

ایران نیاز به مدیریت جنگ داشت. برای همین سعی کرد جنگ را با پیروزی تمام کند و آتش بس را نیز به دشمن تحمیل کند. در چنین شرایطی با اعلام مذاکره، امکان مدیریت جنگ و جبران خسارتها وجود داشت.

قدرت ایران در این جنگ کاملاً برای همه واضح شد. این قدرت، تغییراتی جدی در موازنه قدرت منطقه ای و بین المللی به وجود آورد. این تغییرات، باعث شد احتمال موفقیت مذاکرات بیشتر شود.

جمهوری اسلامی ایران با ارسال پیام مذاکره به مردم خود نیز اطمینان داد که دنبال جنگ نیست. پیام صلح و آرامش به داخل کشور هم یکی از کارکردهای پیام مذاکره بود.

تهدید به فعال سازی مکانیسم ماشه، تلاطم های اقتصادی در داخل ایجاد کرد. پیام مذاکره برای حفظ آرامش بازار و جلوگیری از تلاطم های بیشتر نیز بود.

یکی دیگر از دلایل مذاکره می تواند این باشد که ایران خواهان تضمین امنیت و جلوگیری از حملات آینده اسرائیل به تأسیسات خود است. ایران می خواهد در کنار اقتدار نظامی از مذاکره نیز به عنوان یک ابزار پیشگیرانه استفاده کند.

مدیریت بهانه ها چرایی از سرگیری گفت وگو با گروسی

تجربه تلخ گذشته

پس از حملات ماه ژوئن به تأسیسات هسته ای ایران، فعالیت های بازرسی در ایران بطور کامل تعلیق شد. این تعلیق، برای نخستین بار از زمان امضای موافقت نامه جامع پادمان بین ایران و آژانس رخ داد.

همچنین ایران نگران نشت اطلاعات هم هست؛ چرا که بسیاری از ترورهای دانشمندان ما از طریق بازرسان آژانس رقم خورد. بخشی از این نگرانی ها در صحبت های عراقی به رسمیت شناخته شده است که قانون مجلس و مصوبه شورای عالی امنیت ملی خواسته اند محدودیت هایی برای دسترسی ها و همکاری ها باشد.

چرا همکاری را قطع نکردیم؟

ایران تأکید کرده همچنان عضو پیمان منع گسترش سلاح هسته ای (NPT) است و برنامه هسته ای اش صلح آمیز تحت نظارت است.

قطع کامل همکاری ممکن است این پیام را بدهد که ایران در حال حرکت مخفیانه به سمت سلاح هسته ای است؛ چیزی که طرف مقابل معمولاً آن را به عنوان «بهانه» مطرح می کند. عراقی اشاره کرده که سیاست جدید همکاری باید شکل متفاوت و کنترل شده داشته باشد، نه مثل قبل.

منطق بازگشت به گفت وگو

توافق جدید میان گروسی و عراقی شامل امضای یک سند فنی اجرایی است. این سند چارچوبی برای اطلاع رسانی و بازرسی ها تعیین می کند، از جمله درباره تأسیساتی که مورد حمله قرار گرفته اند و مواد هسته ای داخل آن ها.

گروسی گفته که مشاهده تمایل ایران برای باقی ماندن در NPT و ادامه همکاری تحت نظارت بین المللی، باعث دلگرمی است.

شرط و تأکیدهای ایران

قانون مجلس شورای اسلامی و تصویب شورای عالی امنیت ملی به طور صریح در توافق به رسمیت شناخته شده اند. همکاری ها باید طبق این قوانین انجام شود. عراقی گفته است که «الان هیچ دسترسی ای به بازرسان آژانس داده نمی شود» جز در مورد خاص نیروگاه بوشهر برای تعویض سوخت، که از قبل مصوبه داشته است و جریان دارد. نوع و شکل دسترسی و بازرسی ها قرار است بعداً در مذاکرات جداگانه مطرح شود، پس از ارائه گزارش ایران. ادامه اعتبار این توافق مشروط شده به عدم انجام اقدامات خصمانه از سوی طرف مقابل، از جمله فعال شدن مکانیسم ماشه (snap-back).

ماهیت توافق اخیر

توافق جدید یک «چارچوب اجرایی پادمانی» است، نه یک توافق عمومی مفصل. سند فنی است که نحوه اجرای بازرسی ها و اطلاع رسانی را مشخص می کند. شامل همه تأسیسات هسته ای ایران است، از جمله مراکزی که مورد حمله قرار گرفته اند. هدف آن بازگشایی مسیر دیپلماتیک، کاهش بهانه ها و تضمین نظارت بین المللی اما با حفظ منافع و امنیت ملی ایران است.

علت مذاکره با آمریکا با وجود غیرعقلانه و غیرشرافتمندانه بودن مذاکره

رهبر انقلاب: مذاکره نمی کنیم، دلیل هم تجربه؛ مذاکره نه عاقلانه است نه شرافتمندانه؛ مذاکره مشکل تحریم را حل نمی کند بلکه گره ها را کور و پیچیده تر می کند.

نامه ترامپ به ایران: یا مذاکره یا جنگ
هدف ترامپ از این نامه: قرار دادن ایران در دوراهی مذاکره یا جنگ

در صورت پذیرش مذاکره:
شکستن همیشه قدرت ایران و ایجاد موفقیت برای آمریکا
باز شدن دست اسرائیل در مذاکرات با حماس جهت فشار بر مردم غزه برای کوچ بیشتر

در صورت عدم پذیرش مذاکره:
مشروعیت بخشی حمله آمریکا به ایران
سوء استفاده جریانات معاند داخلی در به هم ریختگی

اجتماعی و اقتصادی، پالی ضعف به جبهه مقاومت باز شدن دست اسرائیل و سخت شدن کار برای ایران

پاسخ ایران برای برون رفت از این اوضاع:

پذیرش مذاکره غیر مستقیم (انعطاف پذیری + تقيه)
آمریکا به دنبال مذاکره مستقیم بود تا استفاده خود را ببرد. اما ایران با پیشنهاد مذاکره غیر مستقیم، آمریکا را به چالش کشاند و در گوشه رینگ قرار داد. (آمریکا نمی توانست آن را رد کند چون خودش پیشنهاد مذاکره داده بود. به نفع او هم نبود چون سود او در مذاکره مستقیم بود)



پیشنهاد آمریکا انجام مذاکرات در امارات (متحد آمریکا) بود اما ایران پیشنهاد عمان را داد که با ایران همراهتر بود.

نتایج پاسخ هوشمندانه ایران:

از بین بردن مشروعیت حمله آمریکا به ایران
باز نبودن دست اسرائیل برای اقداماتش
از بین رفتن شائبه ترس ایران
جلوگیری از فشارهای داخلی (اقتصادی و اجتماعی)
وقت کشی و به تأخیر انداختن همه امور به خاطر غیر مستقیم بودن مذاکرات؛ تأخیری که سم مهلک برای اسرائیل و آمریکا است

پذیرش مذاکره «غیر مستقیم»، راهبری اتفاقات منطقه توسط ایران در درگیری جبهه مقاومت با آمریکا و اسرائیل و خراب کردن بازی غرب و غربگرایان بود

دیپلماسی در زمان جنگ یکی از پیچیده ترین و در عین حال حیاتی ترین جنبه های روابط بین الملل است. در شرایطی که درگیری نظامی جریان دارد، طرفین درگیر اغلب به مذاکرات روی می آورند تا اهداف خود را از طریق ابزارهای دیپلماتیک پیش ببرند. در ادامه به بررسی منطق و اهداف مذاکرات حین جنگ با توجه به نمونه های مختلف آن می پردازیم.

۱. کاهش تلفات و آسیب های انسانی و اقتصادی

جنگ ها هزینه های انسانی و اقتصادی سنگینی به همراه دارند. طرفین درگیر ممکن است برای کاهش این هزینه ها به مذاکره روی آورند:

حفاظت از غیر نظامیان: مذاکرات می تواند برای ایجاد آتش بس موقت یا ایجاد کریدورهای امن برای تخلیه غیر نظامیان انجام شود.

کاهش خسارات اقتصادی: جنگ می تواند

زیرساخت های حیاتی و اقتصاد کشور را تخریب کند. مذاکرات می تواند برای محدود کردن این خسارات انجام شود.

۲. دستیابی به اهداف استراتژیک و امنیتی

طرفین درگیر ممکن است از مذاکرات برای پیشبرد اهداف استراتژیک خود استفاده کنند بعنوان مثال طرفی که دستاوردهای نظامی داشته ممکن است بخواهد این دستاوردها را از طریق مذاکرات به رسمیت بشناساند.

۳. مدیریت بحران و کاهش تنش ها

درگیری های نظامی می توانند به سرعت از

کنترل خارج شوند. مذاکرات می تواند به عنوان ابزاری برای مدیریت بحران عمل کند:

پیشگیری از تشدید درگیری: مذاکرات می تواند برای جلوگیری از افزایش سطح درگیری و تبدیل آن به یک جنگ تمام عصری و یا جلوگیری از گسترش جنگ به مناطق دیگر یا درگیری با بزرگان بیشتر انجام شود.

ایجاد فضا برای دیپلماسی: مذاکرات می تواند دالانسی برای گفت وگو و یافتن راه حل های دیپلماتیک ایجاد و آن را باز نگه دارد.



۴. کسب مشروعیت بین المللی و جلب حمایت
طرفین درگیر ممکن است از مذاکرات برای بهبود موقعیت بین المللی خود استفاده کنند:

کسب حمایت دیپلماتیک: مذاکرات می تواند حمایت دیپلماتیک کشورهای دیگر یا نهادهای بین المللی را جلب کند.

۵. آماده سازی برای دوران پساجنگ
مذاکرات حین جنگ می تواند پایه ای برای ترتیبات پساجنگ باشد:
تعیین چارچوب صلح آینده: مذاکرات می تواند چارچوبی برای توافقنامه صلح نهایی تعیین کند.
ایجاد سازوکارهای اعتماد ساز: مذاکرات می تواند به ایجاد اعتماد بین طرفین درگیر کمک کند.